



# این بود عدالتی که می گفتی؟

### آرش فیمم

در این حال فیلم هایی هم وجود دارند که تحت تأثیر یک جریان سیاسی، هدایت می شوند».

«جریان ابتذال درحال حاضر جریان غالب سینمای ایران شده است. گسستن حریم ها، تبلیغ روابط بی قید و بند دختر و پسر، قهرمان پروری دروغین، همه مواردی هستند که سینمای ما به صورت عمد به سمت آن هدایت می شود.»

اشتباه نکنید؛ این جملات، تعلق به یکی از منتقدان امروز مدیریت سینمایی کشور که نسبت به سیاست های سینمایی دولت، بی عدالتی در اکران، دادن امکانات ویژه به فیلم های خاص و گرفتار شدن فیلم‌های اعتقادی در جنبه مافیاهای اقتصادی معترض است، ندارد. اتفاقا این جملات، از زبان رئیس سازمان سینمایی بیان شده است. جواد شمقدری این اتفاق‌ها را در ارزش های انقلاب و اسلام است پرداخته شود و هر کس این کار را انجام دهد را مزدور بنامند»

«در غرب، هنر سینما و سیاست با هم ارتباط تنگاتنگی دارند که به مراکز تصمیم گیر سیاسی شان برمی گردد، چراکه منافع اقتصادی هم در چپتی حرکت می کند که منافع سیاست مداران تأمین شود ولی در ایران حرکات و انفعالات متأثر از جریان‌های مختلفی است و سازماندهی سیاسی ندارد



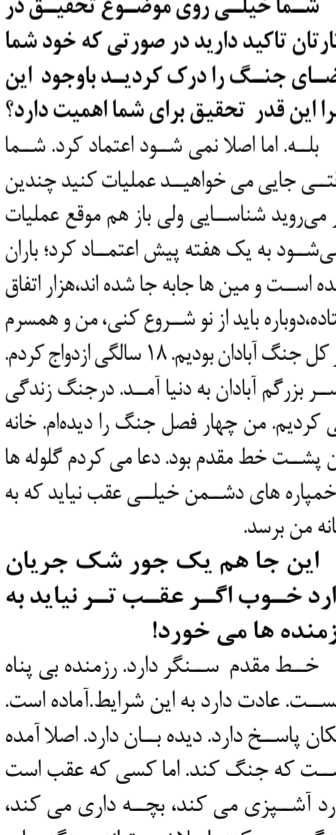
به این سخنان توجه کنید:

«بزرگ ترین دروغ این است که به خود بگوئیم سینمایی که در عرصه بی‌المللی شرکت کرده سینمای هنری

است.»
«در عرصه سینما خیلی هدفمند خواسته‌اند یک سری اتفاقات بیافتد و سینما را در جنبه اقتصادی در بین مافیای بخش رها کرده‌اند و از توجه به ارزش‌های اخلاقی و اعتقادی که یک زمانی به آن معتقد بوده‌اند خیلی راحت گذشته‌اند.»

«کسانی که این فیلم‌های ایرانی را در جشنواره‌های خارجی مطرح کردند و تاکنون بیش از صدها جایزه داده‌اند قصد دارند این ذهنیت را در بین سینماگر ایرانی ایجاد کنند که هنر یعنی همین نوع فیلم‌ها تا مبدا به فیلم‌هایی که در تینبین ارزش‌های انقلاب و اسلام است پرداخته شود و هر کس این کار را انجام دهد را مزدور بنامند»

«در غرب، هنر سینما و سیاست با هم ارتباط تنگاتنگی دارند که به مراکز تصمیم گیر سیاسی شان برمی گردد، چراکه منافع اقتصادی هم در چپتی حرکت می کند که منافع سیاست مداران تأمین شود ولی در ایران حرکات و انفعالات متأثر از جریان‌های مختلفی است و سازماندهی سیاسی ندارد



آنچه می خوانید، ادامه گفت و گوی ما با محمدعلی باشه آهنگر به پیمان اکران فیلم جدیدش «ملکه» است. گفت و گویی که البته از خود فیلم فراتر رفته و به مسائل کلان سینمای دفاع مقدس می پردازد.

شما خیلی روی موضوع تحقیق در آثار آنان تاکید دارید در صورتی که خود شما فضای جنگ را درک کردید باوجود این چرا این قدر تحقیق برای شما اهمیت دارد؟

بله. اما اصلا نمی شود اعتماد کرد. شما وقتی جایی می خواهید عملیات کنید چندین بار می روید شناسایی ولی باز هم موقع عملیات نمی‌شود به یک هفته پیش اعتماد کرد؛ باران آمده است و مین‌ها جایی جا شده، هزار اتفاق افتاده دوباره باید از نو شروع کنی، من و همسرم در کل جنگ ایادان بودیم. ۱۸ سالگی ازدواج کردم. پسر بزرگ ما یادان به دنیا آمد. درجنگ زندگی می کردیم. من چهار فصل جنگ را دیدم. خانه من پشت خط مقدم بود. دعا می کردم گلوله‌ها و خمپاره‌های دشمن خیلی عقب نیاید که به خانه من برسد.

این جا هم یک جور شک جریان دارد خوب اگر عقب تر نیاید به زرمنده‌ها می خورد!

خط مقدم سنگر دارد. روز رزمندگی به پناه نیست. عادت دارد به این شرایط آمده است.

امکان پاسخ دارد. دیده یان دارد. اصلا آمده است که جنگ کند. اما کسی که عقب است

دارد آسپیزی می کند، بیچاره داری می کند،

زندگی می کند، اصلا نمی تواند جنگد،برای همین نگران بودن اصل یک حس طبیعی است.

پس چرا عقب نیامدین، در یک شهر

ایستادید...

اصلا نمی توانستیم، نمی دادم چطور می شود

این را گفتن آن قدر فاصله گرفته ایم از این احساسات که باورمان نمی شود. البته خیلی‌ها

مدرسه آمدند عقب. آسامان ۷۰۰ هزار نفر جمعیت

داشت اما پنج هزار نفر ماندند. البته باید می گفت،

رفتند چون اگر می ماندند تلفات زیاد می شد. اما

من نمی توانستم چیز آنها باشم. همانجا نرزود.

درود و در میان جنگ یک زندگی تشکیل کرد.

بلکه بعد کل مهمان داشتیم از جاهای دیگر بر که عبور

برایشان می گرفتیم می آمدند خانه ما مهمانی، باور

نمی کردند ما برق داریم، اما داریم زندگی داریم و

لذت می بریم از زندگی و عطر و جاروش هنوز در

زندگی مان هست. زندگی در شهری که خمپاره به

ملا فروشی خورده و ملا‌ها ریخته پشت وپرتین

کشسته لاپلاز خاک‌ها کسانیه که هر دم می

شوند کاری با طلا ندارند. الان کسی این را باور

نمی کند، فکر می کنند فیلم تعریف می کنم، چون

## \* چرا در شرایطی که فیلمسازان متعهد همواره با بحران اکران مواجه هستند، یک فیلم جشنواره‌های فرانسوی به محض تولید، امکان اکران می‌یابد؟ گویی همه مشکلات سینمای ما حل شده و فقط این گرفتاری مانده که این فیلم همزمان با جشنواره کن در ایران هم به نمایش در بیاید!

سینمایی است. آیا اکران همزمان دو فیلم از یک فیلمساز، آن هم فقط برای فضاسازی به سود یک جریان سیاسی در انتخابات، فشاری «خامنی‌وار» نیست؟

چرا در شرایطی که فیلمسازان متعهد همواره با بحران اکران مواجه هستند،

آیا از نتایج گذشت زمان است که شمقدری را به همان نتایج و پندارهایی که مدیران سینمایی قبلی داشتند و او به آن‌ها معترض بود رسانده است؟ شمقدری معترض به سینمای جشنواره‌ای حالا خودش بزرگ‌ترین حامی و مشوق این نوع فیلم‌ها شده است.

این گرفتاری مانده که این فیلم همزمان با جشنواره کن در ایران هم به نمایش در بیاید، البته برای ما جای تردیدی نیست که این تصمیم غیرعادلانه هم تمهیدی برای جلب توجه افکار عمومی به سمت همان جریان سیاسی خاص بود. البته با نظرات او درباره فیلم فرانسوی فیلمساز ایرانی را بخوانید. نه تنها حمایت، که با افتخار اعلام می کند جایزه اسکار حاصل لایه او بوده و این بار هم قصد دارد با سرگروه داوران جشنواره کن صحبت کند تا به ما نخل طلا بدهند!

انزوای فیلم‌های اعتقادی در اکران سینماها اعتراض داشت، اینک شرایطی را ایجاد کرده که فیلمسازان دفاع مقدسی دلشان خون می‌شود تا فیلمشان رنگ پرده بگیرد! چه کسی باور می کرد در دوران حاکمیت شمقدری معترض به مافیای اکران، سرنوشت اکران فیلم‌های اعتقادی به این وضعیت دچار شود؟ هنوز فراموش نکرده‌ایم که سال گذشته با فیلم «شور شیرین» چه رفتاری شد. «روهای زندگی» هم همین طور. امروز هم که «ملکه» و نوع ارتکاش و جابه جایی‌های بی در پی در رساندنش به پرده سینماها، سند گویای بی عدالتی در مناسبات متأهل رسیده!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف جریان هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

مگر می‌شود با اولین قلاب بهترین مایه‌ها صید کرد؟ این خلاف هستی است. آنکه است را افرید شرایطی را برایش گذاشته و گفته اند: **سؤال اولم همین قصبه بود که اتفاق جدیدی در حال رخ دادن است، یعنی یک نگاه ویژه و نو که تا حالا مورد توجه نبوده است**!

# سینمای تجاری علیه سینمای ارزشی

### ■ مصطفی انصافی

سینمای تجاری اغلب شامل فیلم‌هایی می‌شود که صرفاً برای فروش در گیشه‌ها و جذب مخاطب ساخته می‌شوند. در سینمای تجاری که شاخه اصلی سینمای موجود در غرب و هالیوود است از فناوری‌های جدید همچون جلوه‌های ویژه و افکت‌های کامپیوتری در جهت ارتقا جذابیت آثار سینمایی استفاده می‌شود تا از این روزنه مخاطبان را پای صندلی‌های محفلین سینما میخکوب کند و حتی این انگاره را در میان مخاطبان جا می‌اندازد که یک فیلم را به دلیل جاذبه‌های بصری بیش از چند بار نگاه کنند و هر بار لذت بیشتری ببرند، اساساً تریلوری سازی و سه‌گانه‌هایی که در هالیوود از دهه ۶۰ میلادی به بعد همچون جنگ ستارگان، پدر خوانده، بیگانه در هالیوود طرفداران زیادی را به خود اختصاص داد از این منظر سود افزاینده بهره می‌برند. توسعه سینمای تجاری دقیقاً مصادف است با ایجاد جامعه مصرفی در غرب؛ در جامعه مصرفی فرد هیچ‌گاه از نما نمی‌شود و دائماً رسانه‌ها برای افراد نیازهای جدیدی را می‌سازند و خود نیز به آن پاسخ می‌دهند و آن را به اصطلاح ارضا و اقیاع می‌کنند. سینمای تجاری مصداق بازار جامعه مصرفی امروز است که همه چیز را محض لذت ارائه می‌کند. در سینمای تجاری محتوا، معنا و مفاهیم به قربانگاه فرم و صورت و ساست‌های سینمایی می‌روند تا شرکت‌های فیلمسازی پول بیشتری را به جیب بزنند. در این سینما فرصتی برای اندیشیدن وجود ندارد و به مخاطب اجازه دخل و تصرف و چون و چرا کردن در حوادث غیر عادی و خرق عادت داده نمی‌شود و هر بار که منتقدی از این زاویه به فیلم می‌نگرد تنها یک جمله شنیده می‌شود و آن اینکه «فیلم، فقط فیلم است»!

سوزهای فیلم‌های تجاری معمولاً از دم دستی‌ترین مسائل پیرامونی الهام می‌گیرند، ابر قهرمانان داستان‌های کمیک، داستان‌های عاشقانه، خیانت‌های زناشویی، آخرازم‌لان، مایعلطیبعه... و این چنین سوزهای اغلب از پر فروش‌ترین سوزهای موجود در فیلم‌های تجاری هستند. سینمای تجاری ربط و نسبتی حقیقی با مفاهیم و معانی ندارد و حتی اغلب مواقع رویکردی ضدانرژسی نیز دارند و با تزئین صدارتزش‌ها، انومی و ناهنجاری سعی دارند تا مخاطبان را هر چه بیشتر جذب فیلم کنند. هسته اصلی سینمای تجاری در دو مفهوم خشونت و جنسیت قابل دسته‌بندی است و بدون این دو فیلمسازی در این حوزه از درون فرو خواهد پاشید.

سینمای تجاری به سه‌بخیم و سه‌نخواهیم امروز در جهان جریان دارد ولی مسئله قابل بحث کرد و به ناشری برای فرهنگ لیبرال دموکراسی غربی بدل شد. شاخه اصلی فیلم‌های سینمای تجاری ایران را می‌توان در مواردی همچون استفاده پر شمار از ستاره‌های زن، داستان‌های عاشقانه یا خیانت، رفاقت، نزاع، عشق‌های مثلی و سیاه‌نمایی اجتماعی خلاصه کرد. سینمای تجاری به سه‌بخیم و سه‌نخواهیم امروز در جهان جریان دارد ولی مسئله قابل بحث در اینجا تعارض مقولات ارائه شده در سینمای تجاری با ارزش‌های اسلامی غالب در جامعه ماست و همین مسئله باعث شده تا سینمای بدنه در سال‌های اخیر شبیه ورمی باشد که از جامعه بیرون زده و قرابتی با جامعه ما ندارد و نمی‌توان آن را پذیرفت. سینمای تجاری در ایران به دلیل عدم تجانس با رویکرد فرهنگی مردم ایران بدل به یک فرهنگ بیگانه و شبه روشنفکرانه شده، چرا که سینمای تجاری برآمده از فرهنگ مصرفی لیبرال دموکراسی غربی و زبان گویای آن جامعه است. ولی وقتی سینمای تجاری را روی فرهنگ ارزشمدار جامعه خود سوار می‌کنیم همچون لباسی است که بر تن صاحب گرمی می‌کند، جامه‌ای که نه تنها شادمانی را نمی‌آورد بلکه مایه‌نگ است. به ندرت اعتماد به نفس می‌وی زند. از این رو نهاد فرهنگ‌های سرباز یک فیلمسازان ما باشد و همان‌طور که شهید آوینی نیز به آن نظر داشته و همواره کوشیده تا سینمای ارزشی را روی کار بیاورد باید سینمای «پگوشتی» و صرفاً «پروش» را فرو نماند چرا که مولفه‌های سینمای تجاری کمکی به درک یک فیلم نمی‌کند و صرفاً برای تزیین و تحمیق مخاطب است. به ندرت شناسان نیز خذف برخی مضمین‌های اخشن و فحش‌های هالیوودی، رقص، آواز، رز و خورد و حتی در برخی موارد هیچ آسیمی به ساختار فیلم «البته اگر ساختاری داشته باشد» وارد نکرده است. خشونت که قرار بود در سینمای هالیوود همچون یک فانتری باقی بماند امروز به عرصه اجتماعی کشیده شده و برخی مخاطبان فیلم‌های هالیوودی تحت تأثیر این گونه خشونت‌ها دست به جنایت و کشتار می‌زنند. از این رو تداوم این اوضاع به نفع سینماگران در سینمای ایران نیز وقتی بحث از ایرادات سینما می‌شود اغلب سینماگران بحث‌های ساختاری را پیش می‌کنند و از نبود امکانات می‌نالند در صورتی‌که مشکل اصلی سینماگران ما فقدان محتوا و چگونگی گیر است که بتواند مخاطبانی را که با سبک زندگی اسلامی علاقه‌مندند، جذب کند چون در جامعه و زمینه اجتماعی که در آن می‌زیند غریبه هستند و شناختی بر

کسی به من می‌گفت که تو در «ملکه» گفتی اسرائیلی قوی است! گفتم خب اسرائیل قوی است اما ما از آن قوی‌تریم. عرفی‌ها خیلی جنگجو بودند، بهترین طراحی نیروی زمینی را داشتند. اما دیدیم آن بچه‌هایی که با آموزش یک هفته‌ای ۴۵ روزه می‌رفتند چه می‌کردند! پس بیشتر فضای اعتقادی است که مارا حفظ می‌کند. فیلم در من ۲۷-۸ سال پیش رخ می‌دهد. آن موقع ما فشنگ و ناوچه و هواپیما نمی‌توانستیم بسازیم. خب من چه باید می‌گفتم؟ فیلمساز عزیزی که رویه‌روی من نداشتی! تو باید جای خودت حرف بزنی، رئیس جمهور جای خودش حرف بزند. وظیفه وزیر دفاع است که بگوید ما موشک فاتح یا زازال داریم یا موخریم. اسرائیل هم در آن وقت برای طرح قصبه هواکولت، «فهرست شنیدل» و «پاینست» را می‌سازد، اما کجا دیدی یکی از اینها حرکت بدی بکنند؟

**به این موضوعات می‌پردازند چون کلام هنرمند بار احساسی بیشتری دارد، کما اینکه ما «پاینست» را می‌بینیم متأسف شده‌ایم...**
بله، ولی در «پاینست» نمی‌گوید ما موشک فلان هم داریم.



مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها



آن ندارد. متأسفانه سینماگران ایرانی، به واسطه اینکه کاملاً مقلد غربی‌ها هستند صرفاً به آموختن تکنیک سینما بسنده می‌کنند و به حوزه تفکر، که در رطن همه آن آثار سینمایی وجود دارد، عنایتی ندارند. شهید آوینی در نقد هنر جدید به این موضوع اشاره دارد که «هنرمندان ما تنها به دنبال فراگیری تکنیک هستند، آن‌ها هرگز در جست‌وجوی حکمت نیستند». برای نجات سینمای ایران نیاز به تکنسین نیست، نیاز امروز سینمای ما سینماگرانی است که از منظر جامعه شناختی و معرفت شناختی به سینما بنگرند. به نظر می‌آید چیزی که امروز باعث شکست در سینمای ما شده همان مسئله‌های است که شهید آوینی بدان اشاره کرده است. در واقع سینماگران فقط دارند بدل به تکنسین می‌شوند و بی‌شک تکنسینی که تهی از تفکر باشد نمی‌تواند ناوآر باشد و همه سسی خویش را معلوف این می‌کند تا در قواعد تکنیکی خلاقیت و ابتکار به وجود بیاورد که امروز همان را هم نداریم.

امروز جریان سینمای ما نیاز برمی‌دارد تا تدبیری اساسی برای سینمای تجاری بیابد. چرا که هر روز طرز تفکری کاسب کارانه و تجاری به تنه این سینما سدهم وارد می‌کند. برای سامان دادن به آثار سینمایی باید یک الگو و مدلی سینمایی را سر لوحه کار قرار داد تا از روزنه آن فیلترهای سینمایی فخر و در خور ارزشی را تولید کنیم. کتاب‌ها و مقالات شهید آوینی برای نریال به این امر مهم تکیه‌گاه مطلوبی است و می‌توان طرز تفکی این شهید بزرگوار را نقطه عزیمتی برای رسیدن به هدف اساسی سینمای ایران که همانا سینمای انقلابی و اسلامی است.

از سوی دیگر باید مسئولان فرهنگی کشور ارزیابی جدی روی دانشکده‌های سینمای دانشه باشند، چرا که سینماگران امروز ما از درون این دانشکده‌ها خارج شده و شروع به تولید فیلم می‌کنند؛ از این رو در رهگشت سینمای ما نیازمزد تغییر ذائقه سینماگران است تا تغییر ذائقه مخاطبان سینما در دانشکده‌های سینمایی باید با تأکید بر مفاهیم و ارزش‌های دینی و اسلامی نسلی از سینماگران را پروراند که با توجه به زمینه اجتماعی که در آن می‌زیند فیلم بسازند و نه با الگوگیری از سینمای غربی و تجاری که تنها به آزادی پول روانه شده به جیب صاحبان شرکت‌های تولید فیلم که اغلب بی‌توجهی هستند، می‌اندیشند.

خود بی خود می‌شوی. اینهایی که قلبشان خیلی سنگینی دادن تا مقبول شود. این خیلی بد فضا بگذارند، می‌شنکندآن فضاچه دارد، آن خاک چیست‌اگر بخواهیم فکر کنیم بخشی از سرزمین است که خاک است، ما دیوانه‌ایم که فکر می‌کنیم بی بخشش دارد. پس به چیزی دیگر از این مسال آن قدر اتفاقات عجیبی افتاده که هیچ‌کس نمی‌تواند شهید باقری را محکوم کند، هیچکس نمی‌تواند بگوید شهید متوسلین فلان است.

نه. قلبا احترام می‌گذارند. غلام زرعانی که میلاد کی‌مرام با نام سبایش نقکش را بازی می‌کند، جانبا۷۰ درصد است. در شهر راه می‌رود، قلبا به او احترام می‌گذارند. میلاد کی‌مرام الان

شود به این موضوعات می‌پردازند چون کلام هنرمند بار احساسی بیشتری دارد، کما اینکه ما «پاینست» را می‌بینیم متأسف شده‌ایم...

بله، ولی در «پاینست» نمی‌گوید ما موشک فلان هم داریم.

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبتی با این فضا ندارد...**

نه. وقتی فضا می‌دهیم آن طرف تخلیه می‌شود. به چه قیمتی؟

به قیمت اینکه تو سعی نکردی جلوی یک نظر مخالف را بگیر. خیلی از اینها وقتی می‌خواهند فیلم بسازند توانایی ساخت آن را ندارند. آن کسانی که از آنجایی که ششپایی می‌زنند و آن صحنه‌های درناک را خیلی از آن فیلمسازها

مقدسی آن کامل می‌شود ولی توسط پژوهشگرانی که بتوانند سره را از ناسره بکنند بیرون.

**اما در این باره صحبت کردیم که مصلحت‌ها با مخرج توچه قرار گیرد، قصه دروغ نباشد، بعد بدیم به کسی که نسبت**